
فصل سوم:

هیچ یک از علمای بزرگوار تأییدیه های خود را پس نگرفته اند

جدول نمایی از مقایسه دو متن از اظهارات علمای اعلام و حجج اسلام در مورد تأیید صلاحیت متولیان حسینیہ اصفهانیها در کربلا.

۱- هیچیک از علما امضاء خود را پس نگرفته اند.

۲- آیت الله سید محمد رضا سیستانی فرمودند تأیید ۳ نفر کافی است و متولیان ۳۰ نفر تأییدیه بردند.

۳- تأییدیه علما جهت تشریفات اداری و عرفی است نه منشاء و مدرک حکم تولیت.

۴- حکم مرجع اعلای شیعه مشروط به تأییدیه علما نیست تا اگر کسی امضاء خود را پس بگیرد حکم تولیت لغو شود!!

۵- تأییدیه علما مشروط به صحت مطالب مندرج در متن نامه درخواستی از آنها نیست تا با عدم صحت مطلبی در آن، بطلان تأییدیه ها ثابت شود.

نکته خیلی مهم: درخواست آیت الله صافی از علما در مورد تأیید متولیان از جهت وثاقت و اطمینان و صلاحیت است نه تعیین کردن متولی. اما درخواست این جماعت حيله گر از علماء این بود که علما حرف خودشان و امضاء خودشان را پس بگیرند. و در نتیجه: هیچیک از علما حرف خودشان و امضاء خودشان را پس نگرفتند بلکه مجدداً بر مطلب قبلی خود تأکید کردند، به جدول زیر دقت کنید.

مقایسه دو متن از اظهارات علما در مورد تأیید صلاحیت متولیان

در پاسخ به نامه آیت الله صافی	در پاسخ به نامه این جماعت	توضیح و نتیجه گیری
آیت الله علوی گرگانی فرموده اند: حضرات نامبرده در صدر ورقه مورد تأیید می باشند (یعنی از جهت وثاقت و اطمینان).	فرموده اند: شخصیت نامبرده دارای حسن فاعلی و اصالت خانوادگی می باشند اما مهر اینجانب بر اساس توصیف مراجع عظام و علمای بزرگوار اصفهان و غیر آن بوده است، باید طبق وقفنامه و براساس تولیت متولی شرعی منصوص از ناحیه واقف یا حاکم شرع عمل شود.	پس ایشان تأییدیه خود را پس نگرفتند بلکه مجدداً آن را تأکید کرده اند که «شخصیت نامبرده دارای حسن فاعلی و اصالت خانوادگی است» مضافاً بر اینکه فرموده اند: علما و مراجع عظام هم آیت الله صافی را تأیید و توثیق کرده اند و به این جماعت می خواهند بفرمایند: شبهه افکنی نکنید، تولیت باید از ناحیه حاکم شرع یعنی آیت الله العظمی سیستانی باشد که هست.
آیت الله مجلسی فرمودند: مراتب فوق مورد تأیید است، (یعنی این متولیان از جهت وثاقت و اطمینان مورد تأیید هستند).	فرموده اند: برای آن حسینیه متولی تعیین نکردم و فقط صلاحیت و حسن فاعلی آقایان را تأیید کرده ام و باید طبق نظر واقفین عمل شود. (خیلی واضح است که ایشان تحت فشارهای زیاد چنین امضائی داده اند.)	پس ایشان هم تأییدیه خودشان را پس نگرفته اند بلکه مجدداً فرمودند من آقایان را تأیید کردم اما فرمودند من متولی معین نکردم که بخواهم از حرفم برگردم (یعنی امضاء من همان امضاء اول است) و به این جماعت توصیه کرده اند که بروید طبق وقفنامه عمل کنید یعنی آیت الله العظمی سیستانی که متولی نصب فرمودند طبق وقفنامه عمل کرده اند.

توضیح و نتیجه گیری	در پاسخ به نامهٔ این جماعت	در پاسخ به نامهٔ آیت الله صافی
پس ایشان هم حرف خود را پس نگرفته‌اند، بلکه می‌خواهند بفهمانند من آقای صافی را قبول دارم لذا امضاء کردم و هنوز هم ایشان را قبول دارم و بر اساس گفتهٔ ایشان همراهانشان را هم تأیید کردم. پس ایشان اصلاً اعتنایی به درخواست این جماعت نکردند.	فرموده‌اند: من فقط به کلام آقای صافی امضاء نمودم.	آیت‌الله ضیاء فقیه ایمانی^(۵) فرموده‌اند: آقایان فوق‌الذکر مورد تأیید اینجانب می‌باشند. (یعنی از نظر وثاقت و اطمینان)
پس ایشان هم تأییدیهٔ خودشان را پس نگرفتند بلکه یک واقعیتی را فرمودند که من متولی تعیین ننموده‌ام تا بخواهم از حرفم برگردم، فقط حسن فاعلی آقایان را تأیید کرده‌ام که نقض نشده و هنوز هم مورد تأیید است.	فرموده‌اند: کسی را به عنوان متولی معین ننموده‌ام تنها حسن فاعلی آقایان مورد تأیید قرار گرفته. (ایشان هم به درخواست این جماعت اعتنایی نکردند و مطلب دیگری را بیان کردند.)	آیت الله هاشمی فرموده‌اند: افراد فوق‌الذکر مورد تأیید اینجانب می‌باشند. (یعنی از جهت وثاقت و اطمینان)
پس ایشان هم از حرف خودشان و تأییدیه خودشان برنگشتند بلکه آن کاری را که نکرده بودند فرمودند نکردم یعنی من متولی تعیین نکردم تا بخواهم پس بگیرم. اما تأییدیهٔ ایشان کماکان بحال خود باقی است.	فرموده‌اند: اینجانب کسی را برای تولیت انتخاب نکردم. (ملاحظه می‌کنید این مطلب اصلاً جواب این جماعت نیست، بلکه موضوع دیگری است که مطرح کردند.)	آیت‌الله شیخ مهدی فقیه ایمانی^(۶) فرموده‌اند: متولیان نامبرده مشهور و مورد اعتماد و برخوردار از حسن نیت می‌باشند.
پس ایشان هم حرف خود را پس نگرفته‌اند فرموده‌اند: این تولیت باید به کسی که شرعاً لایق آن است داده شود یعنی افرادی که آیت‌الله العظمی سیستانی که حاکم شرع هستند آنها را منصوب کرده‌اند یعنی صدر من اهل و وقع فی محله، و اما وثاقت و مورد اطمینان بودن آنها کماکان مورد تأیید ایشان بوده است و نقض نشده.	فرموده‌اند: باید به من له الحق از نظر شرع انجام شود. (خیلی واضح است که این عبارت تحت فشار و اجبار صادر شده است با عبارت اول ایشان مقایسه کنید همه چیز روشن می‌شود.)	آیت‌الله روضاتی^(۷) فرموده‌اند: «صدر من اهل و وقع فی محله»؛ مراتب فوق‌مورد تأیید اینجانب است. (این عبارت حکایت دارد از شناخت کامل ایشان از آقای صافی یعنی این حکم از اهلش صادر شد و در محل و جایگاه خودش که آیت الله صافی باشد واقع شد.)

در پاسخ به درخواست آیت الله صافی	در پاسخ به نامه این جماعت	توضیح و نتیجه گیری
حجة الاسلام و المسلمین سید کمال فقیه ایمانی فرموده‌اند: مراتب مسطورہ مورد تأیید می باشد.	فرموده‌اند: آنچه مطابق شرع مقدس می باشد عمل کنید. (دقت کنید اصلاً این فرمایش با فرمایش قبلی به طور کلی فرق دارد.)	بنابراین ایشان هم تأییدیه قبلی خودشان را پس نگرفتند بلکه موضوع دیگری را مطرح کردند و آن اینکه باید آنچه مطابق شرع است عمل کنید. یعنی آقایان نامبرده مطابق شرع متولی هستند چون حاکم شرع یعنی آیت الله العظمی سیستانی آنها را منسوب کرده‌اند.
حجة الاسلام والمسلمین مظاهری فرموده‌اند: متولیان فوق الذکر مورد تأیید است. (یعنی از نظر وثاقت و اطمینان)	فرموده‌اند: امضائی را که برای آقای صافی کردم به اعتبار امضای بقیه آقایان بوده باید بر اساس وقف نامه عمل شود. (البته در این امضاء دوم آثار جعل دیده می شود به صفحه ۹۰ مراجعه کنید.)	پس ایشان هم مثل بقیه آقایان امضاء خودشان را پس نگرفته‌اند، و تا آخر همان نظراول خود را داشته‌اند چون بقیه آقایان هم تا آخر از حرف خودشان برنگشته‌اند. مطلب دیگر اینکه فرمودند: بروید به وقفنامه عمل کنید، یعنی آیت الله العظمی سیستانی به وقفنامه عمل کردند و متولی جدید تعیین کردند.
آیت الله بهشتی فرموده‌اند: متولیان مذکور در این ورقه تأیید می شوند. (یعنی از نظر وثاقت و اطمینان و این امضاء از روی شناخت و میل و رغبت صادر شد.)	فرموده‌اند: اگر چیزی نوشته‌ام باستناد امضاء دیگران بوده است. (ایشان نیز مانند دیگر علما تحت فشارهای زیاد مجبور شدند چنین امضائی بدهند.)	پس ایشان هم از حرف خود برنگشته‌اند چون به استناد علمای اصفهان و مراجع قم وثاقت متولیان مذکور را تأیید کرده‌اند و چون هیچیک از علما از حرف خود برنگشته‌اند. ایشان نیز تا آخر از حرف خود برنگشته است.

توضیح و نتیجه گیری	در پاسخ به نامه این جماعت	در پاسخ به درخواست آیت الله صافی
پس ایشان هم مثل آیت الله مجلسی و سایر علما امضاء خودشان را پس نگرفته اند، هم اکنون هم نظرشان همان نظر آیت الله مجلسی است یعنی صلاحیت و حسن فاعلی متولیان مذکور را تأیید کرده اند و از حرف خودشان بر نگشته اند. اما در مورد تولیت، هیچکس تولیت معین نکرده تا بخواهد پس بگیرد.	فرموده اند: امضای اینجانب مبتنی بر امضای استاد بزرگوارم حضرت آیت الله العظمی مجلسی بوده، هم اکنون نیز امضای آن بزرگوار را تأیید می کنم.	حجة الاسلام و المسلمین سید محمد علی جزایری فرموده اند: متولیان که حضرات علما و اساتید تأیید فرمودند مورد تأییدند.
پس ایشان هم تأییدیه خودشان را پس نگرفتند و تأییدیه قبل ایشان به حال خود باقی است اما تعیین تولیت، مسأله جدائی است و ایشان هیچ دخالتی در آن نداشتند تا بخواهند امضاء خودشان را پس بگیرند و فرمودند بروید به وقفنامه عمل کنید، یعنی آیت الله العظمی سیستانی به وقفنامه عمل کردند که متولیان جدید تعیین نمودند.	فرموده اند: اینجانب تعیین تولیت نکردم. بدیهی است نظر علمای کربلا و مفاد وقفنامه ملاک تولیت است.	حجة الاسلام و المسلمین شفتی فرموده اند: اینجانب متولیان فوق را تأیید می نمایم. (یعنی از جهت وثاقت و اطمینان)
پس ایشان هم از حرف خود برنگشته اند و هنوز هم به متولیان شرعی منصوب از طرف آیت الله العظمی سیستانی وثوق و اطمینان دارند چون سایر علما که آنها را تأیید کرده اند از حرف خود برنگشته اند، ایشان هم از حرف خود برنگشته است و بالاخره می خواهد بفرماید تولیت ارث و میراثی نیست حاکم شرع باید تعیین کند که آیت الله العظمی سیستانی آقایان را تعیین کرده اند، بروید تابع موازین شرعی باشید.	فرموده اند: اعتماداً به امضاء سایر علما صلاحیت آقایان را تأیید کردم و موقوفه طبق احکام و موازین شرعی باید عمل بشود. (این امضاء هم معلوم است از روی ناچاری بوده. به صفحه ۳۱ و به صفحه ۸۷ تذکر ۴ و صفحه ۱۱۰ مراجعه نمایید.)	حجة الاسلام و المسلمین کاظمینی فرموده اند: موارد فوق مورد تأیید می باشد. (یعنی از نظر وثاقت و اطمینان)

پس اولاً می بینید که تا این ساعت هیچ یک از علما امضاء خودشان را پس نگرفته اند و بلکه مجدداً همان سخن اول خود را تکرار و به آن تأکید کردند، به جدول فوق دقت کنید، همه چیز واضح است.

ثانیاً: حضرت آیت الله سید محمد رضا سیستانی فرموده بودند: امضاء دو سه نفر از علما کافی است اما متولیان محترم به جای ۳ نفر ۳۰ نفر تأییدیه ارائه دادند، حال، شما ۱۲ نفرش را قبول ندارید، مشکلی نیست آنها را از ۳۰ نفر کم می کنیم، الباقی ۱۸ نفر می ماند که باید آنها را قبول کنید، این در حالی است که ما اصلاً تأییدیه ۳ نفر از علما را لازم داشتیم. به هر حال قدر مسلم، متولیان ۱۸ امضاء و تأییدیه ارائه داده اند که از جمله آنها آیت الله مستجابی، آیت الله جعفریان، آیت الله داوری و آیت الله ابراهیمی بودند هم چنین تأییدیه هایی از آیت الله العظمی صافی گلپایگانی، آیت الله العظمی دوزدوزانی، آیت الله العظمی بشیر نجفی، آیت الله العظمی نوری همدانی ارائه دادند و شما فتنه گران نتوانسته اید به حریم مقدس آنان راه پیدا کنید و نوشته ای از آنها بگیرید و این بزرگواران اصلاً به شما اعتنایی نکردند و همین برای متولیان کافی بود و بلکه بیشتر از نیاز آنها بود.

ثالثاً: مسئله تأییدیه علما که فرمودند دو سه نفر کافی است یک روند عرفی، اداری است و گرنه فی حد نفسه هیچ مداخلیتی در صدور حکم تولیت از ناحیه مقدس مرجعیت ندارد.

رابعاً: حکم مرجع اعلای شیعه حضرت آیت الله العظمی سیستانی مشروط به تأییدیه و امضاء علما بزرگوار نیست تا با امضاء آنها حکم

تولیت لزوماً صادر و با پس گرفتن امضاها حکم صادر شده لغو شود، بلکه مرجع اعلا و آگاه و آزاد اندیش شیعه با در نظر گرفتن مصالح این حسینیّه و نیز صلاحیت اشخاص مذکور رأساً اقدام به صدور حکم تولیت فرموده اند، و مرجعیت در صدور احکام و ارائه نظریات مبارک، مستقل بوده و هیچکس نمی تواند فتوا یا حکمی را برایشان تحمیل نماید.

خامساً: بر فرض که حکم مرجع اعلا مشروط باشد به تأییدیه علمای (که هرگز چنین نیست) باید همه علمای بالاتفاق تأییدیه های خود را پس بگیرند تا حکم صادره لغو شود وگرنه لغو نخواهد شد، و به اعتراف این جماعت فتنه گر، بعضی آقایان امضاء خود را پس گرفته اند نه همه آنها، در نتیجه حکم صادره از جانب مرجع اعلاء به حال خود باقی است.

سادساً: تأییدیه علمای بزرگوار نیز مشروط به مطالب قید شده در متن درخواستی از آنها نیست تا بر فرض، مطلبی در متن مذکور اشتباه دربیاید تأییدیه علمای هم باطل و لغو شود، بلکه علمای بزرگوار مستقلاً بر اساس شناختی که سالیان متمادی از جهت تعهد و تدبّر و تقوا از آیت الله صافی داشتند و با ایشان معاشرت های نزدیک داشتند، ایشان را و به تبع، همراهانشان را در این نامه توثیق و تأیید کرده اند.

لذا صلاحیت داشتن اشخاص برای تولیت هیچ ربطی به متروکه بودن یا نبودن حسینیّه یا متولی داشتن یا نداشتن آن ندارد.

تأییدیه علمای معنایش این است که می خواهند بفرمایند: آقایان این توانایی را دارند که به عنوان متولی، این حسینیّه را اداره کنند همین و بس، هیچ شرط و شروطی در این مسأله مطرح نیست، نمی توان گفت آقایان این توانایی را دارند که حسینیّه را اداره کنند به شرط اینکه اینجا

متولی نداشته باشد، این غلط است، قدرت و توانایی مشروط به هیچ شرطی نیست بلکه یک امر ذاتی و درونی و خدادادی است.

پس هم حکم مرجع اعلا و هم امضای علمای بزرگوار هر دو مستقل بوده و هیچ کدام مشروط به شرطی نمی باشد تا با انتفاء شرط، مشروط نیز منتفی شود.

بنابراین، بود و نبود تأییدیه علما در اصل صدور حکم شرعی تولیت، مدخلیتی ندارد بلکه این مسأله ضمن اینکه یک دلگرمی و پشتوانه بزرگ معنوی برای این مجموعه محسوب می شود، یک روند عرفی اداری است و صرفاً جهت تسریع و تسهیل در امور اداری لازم است.

کما اینکه متروکه بودن یا نبودن حسینیه هیچ تأثیری در صلاحیت یا عدم صلاحیت اشخاص ندارد یعنی اگر کسی صلاحیت تولیت حسینیه ای را داشته باشد نمی توان گفت چون این حسینیه متروکه است او صلاحیت دارد اما به مجرد اینکه متروکه نباشد آن شخص هم صلاحیتش لغو می شود و بالعکس.

صلاحیت تولیت، یک استعداد ذاتی و نیروی درونی است که در بعضی افراد وجود دارد و این قدرت و استعداد درونی با تغییر و تبدیل اوضاع و احوال موقوفه تغییر پیدا نمی کند.

سابعاً؛ ما در جای خودش ثابت کردیم که مطالب مندرج در متن درخواستی آیت الله صافی از علمای اصفهان و از مرجع اعلا ی شیعه تماماً صحیح و غیر قابل خدشه است، به صفحات ۴۶ و ۵۶ مراجعه کنید تا همه چیز برای شما روشن و دروغ های این جماعت بر ملا شود.

فصل چهارم:

چند تذکر مهم در مورد جوابیه علما به درخواست این جماعت

- ۱- تا کنون یک مورد یافت نشده که کسی ادعای آیت الله صافی را رد کرده باشد.
- ۲- علما امضاء خود را پس نکرفته اند بلکه با مطرح کردن مطالبی خارج از موضوع، شرایین جماعت را از سر خود کم کردند.
- ۳- آثار شک و شبهه و جعل در امضاء دوم مرحوم حجة الاسلام مظاهری خیلی واضح و روشن است.
- ۴- مرجع اعلای شیعه حضرت آیت الله العظمی سبستانی طبق ولایتی که دارند می توانند رأساً متولی عزل و نصب کنند.
- ۵- لیست اسامی تعدادی از علما و مراجع تقلید و گویندگان و نویسندگان و طلاب حوزه ها و شخصیت های سیاسی مذهبی اجتماعی که متولیان را تأیید کرده اند.

چند تذکر مهم و اساسی

تذکر ۱: در کل این جریانات و تلاش‌های مذبوحانه و بسیار زیاد و طاقت فرسای این فرقه منحرف علیه آیت الله صافی، یک مورد یافت نمی‌شود که کسی ادعای آیت الله صافی را رد کرده باشد و ادعای این جماعت را تأیید کرده باشد، یعنی گفته باشد آیت الله صافی متولی نیست و عبدالامیر ماشاء الله متولی است، کسی تا کنون چنین حرفی نزده است.

تذکر ۲: تمام مطالبی را که این جماعت با داد و فریاد و توهین و پرخاشگری، از علما جمع کرده‌اند هیچ ربطی به مطالب قبلی علما و مسئله تأیید صلاحیت متولیان ندارد بلکه آقایان علماء که تحت فشار شدید این جماعت قرار گرفته بودند برای اینکه شرّ این گروه شرور را از سر خود کم کنند هر کدام مطلبی خارج از موضوع مربوطه نوشته‌اند و خودشان را از شرّ آنها خلاص کردند.

اما این جماعت چون جاهل محض هستند چیزی نمی‌فهمیدند خیال می‌کردند علما ضد آیت الله صافی مطلب نوشته‌اند و امضاهای خود را پس گرفته‌اند از این جهت خوشحال شدند، رفتند فضاهای مجازی را پر کردند که ایها الناس علما امضاهای خود را پس گرفتند. ما هم خوشحالیم که مردم بفهمند که دشمنان این حسینیه و مرجعیت تا چه حد از حماقت و درانزوا هستند و الحمدالله الذی جعل اعدائنا من الحمقا.

تذکر ۳: بعضی از علما فرموده‌اند ما متولی تعیین نکرده‌ایم و حقیقتاً هم، چنین بوده، هیچکس جز مرجع اعلاى شیعه حضرت آیت الله

العظمی سیستانی متولی تعیین نکرده است و اساساً در مورد موقوفات عراق قانوناً کسی جز مرجع اعلاى شیعه نمی تواند تصمیم گیری کند، اما این جماعت فتنه گر در ذهن عوام کرده اند که ببینید، علما از حرف خود برگشته اند و تولیت را از آقای صافی پس گرفتند و حال آن که اصلاً کسی، درخواست تولیت از علما نکرده بوده و از علماء کسی هم تولیت تعیین نکرده بود تا بخواهد پس بگیرد لذا علما تا آخر، پای همان امضاء و حرف اول خودشان ایستاده اند، به جدول صفحه ۷۸ مراجعه کنید همه چیز مشخص می شود.

پس امضاء علما در مورد تأیید صلاحیت بودن تعیین تولیت، والحمدلله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء.

تذکره ۴: بعضی از علما در مورد امضاء دوم خود فرموده اند: «امضاء ما به اعتبار امضای سایر علماء بوده.»

پاسخ ما: این متن در مقایسه با متن قبلی علماء و هم چنین با توجه به شناختی که علماء از آیت الله صافی داشتند و ارتباطات و رفت و آمدها و معاشرتهای نزدیک آنها با آیت الله صافی، برای یک انسان عاقل و معتدل اطمینان کامل حاصل می شود که متن دوم و امضاء دوم علماء تحت فشار و از روی ناچاری بوده چون کسی که با آیت الله صافی آشنایی و ارتباط نزدیک داشته و سال ها با هم مراوده داشتند و همدیگر را خیلی خوب می شناختند، نمی توان قبول کرد که این آقا با استناد به افراد دیگر (که خیلی هم با هم آشنایی نداشتند و حداقل به اندازه آشنایی آنها با آیت الله صافی نبود) آقای صافی را تأیید کرده است.

وقتی انسان شخصی را کاملاً می شناسد اگر از او راجع به آن شخص سؤال شود هرگز نمی گوید باید بروم تحقیق کنم یا ببینم فلانی راجع به او

چه می‌گوید، این حرکات از یک انسان عاقل و عالم به دور است بلکه باید فوراً بر اساس شناخت و مشاهدات شخصی خودش نظرش را بیان نماید.

بنابراین با این بیان معلوم می‌شود که متن دوم و امضاء دوم آقایان از روی ناچاری بوده و صرفاً برای اینکه شرّاین گروه شرور و منحرف را از سر خود کم کنند چنین عبارتی را نوشته‌اند بخاطر اینکه این فرقه گمراه به شدت برای آقایان علما دردسرایجاد می‌کردند و موجب هتک حرمت و آزار و اذیت آنها می‌شدند و از این شرارت‌ها هم خسته نمی‌شدند و مانند کفتارهای وحشی علی‌الدوام در کمین آقایان علماء بودند تا بر سر آنها فریاد بکشند. به صفحه ۲۹ و ۳۰ مراجعه کنید به چند نمونه از آن اشاره شده است.

مضافاً بر اینکه بر فرض هم به اعتبار سایر علما امضاء کرد باشند (که ثابت کردیم چنین نیست) باز هم می‌گوییم امضاء خودشان را پس نگرفته‌اند. به صفحه ۱۱۰ مراجعه کنید، مطلب به صورت خیلی واضح ثابت شده است.

تذکره ۵: بعضی از علما فرموده‌اند: «اینجانب از حسینیة اصفهانیها هیچ اطلاعی ندارم».

توضیح: این هم یک واقعیتی است که از چگونگی حسینیة اصفهانیها در کربلا هیچکس خبری نداشت حتی آیت‌الله صافی، تنها کسی که کاملاً از همه مسائل و جزئیات آن خبر داشت و دارد مرجع‌اعلای شیعه حضرت آیت‌الله العظمی سیستانی است، معظم له با علم به اینکه این حسینیة متولی ندارد و مسائل دیگری از قبیل صلاحیت آقایان نامبرده، حکم تولیت آنها را صادر فرمودند.

بنابراین اینکه بعضی علما فرموده‌اند: «از حسینیة اصفهانیها هیچ اطلاعی ندارم» دلیل بر آن نیست که صلاحیت آقایان را تأیید نمی‌کنم بلکه هر عاقلی می‌فهمد که این دو مطلب هیچ ربطی به هم ندارد. علما می‌فرمایند ما همین قدر می‌دانیم آقایان توانایی اداره این حسینیة را دارند و صلاحیت دارند که متولی بشوند، اما از حسینیة اطلاعی دارند یا نه؟ این موضوع دیگری است که ربطی به تأیید صلاحیت ندارد.

تذکر ۶: علماء در پاسخ به نامه این جماعت دروغگو تعبیرهای دیگری دارند از قبیل این‌که:

بعضی فرموده‌اند: باید طبق وقفنامه عمل بشود.

بعضی فرموده‌اند: مطابق شرع مقدس عمل بشود.

بعضی فرموده‌اند: باید از ناحیه واقف یا حاکم شرع باشد.

جواب: تمام این عبارت‌ها تلویحاً بر ضد این فرقه ضرور می‌باشد: معنایش این است که خطاب به این جماعت فتنه‌گر فرموده باشند: آگاه باشید، شرع مقدس را در نظر بگیرید مسأله تولیت، ارث و میراثی نیست باید طبق وقفنامه عمل کنید چرا بیراهه می‌روید تعیین تولیت در اینجا از اختیارات مرجع اعلای شیعه حضرت آیت الله العظمی سیستانی است چون متولیان سابق کسی را به جای خود تعیین نکرده‌اند به همین دلیل این امر، شرعاً به عهده حاکم شرع یعنی مرجع اعلای شیعه می‌باشد^(۱) و شخص دیگری حق دخالت در آن را ندارد.

حضرت آیت الله العظمی سیستانی هم، طبق وقفنامه عمل کردند یعنی چون دیدند همه متولیان سابق رحمهم الله از دنیا رفته‌اند و کسی

را به جای خود تعیین نکرده‌اند، لذا افراد مذکور را به عنوان متولی تعیین فرمودند و پس از آن دیوان وقف شیعی عراق و همچنین مجمع علمی وقف شیعی عراق حکم مرجعیت را تأیید کردند سپس دادگاه عراق، تولیت همین آقایان منصوب از طرف مرجع اعلا را نیز تأیید کرد، هم دادگاه بدوی و هم تجدید نظر.^(۱)

پس در واقع این جماعت شرور، از ناحیه علمای بزرگوار هم (که به اجبار از بعضی از آنها دستخط گرفته‌اند) به شدت مورد توبیخ قرار گرفته‌اند.

در امضاء دوم مرحوم حجت الاسلام و المسلمین مظاهری آثار شک و شبهه و جعل نمایان است

تذکر ۷: امضاء دومی که این جماعت به مرحوم آقای مظاهری نسبت می‌دهند مشکوک و فاقد اعتبار است، به دلیل اینکه:

اولاً: در دست نوشته‌ای که این جماعت به مرحوم آقای مظاهری نسبت داده‌اند چنین آمده:

«امضائی را که برای آقای صافی کرده به اعتبار
امضاء بقیه آقایان بوده است.»

در حالیکه امضای آن مرحوم دومین امضاء بود و همین دلیل بر کذب ادعای این جماعت و جعل امضاء مرحوم مظاهری است. چون آن مرحوم باید می‌نوشتند «به اعتبار امضاء فلانی بوده است»، عبارت «بقیه آقایان» جایی استعمال می‌شود که حداقل ۳ نفر قبل از ایشان امضاء کرده باشند نه جایی که یک نفر امضاء کرده باشد و این یک شاهد بر جعلی بودن امضاء مرحوم مظاهری است.

ثانیاً: اگر مرحوم مظاهری آیت الله صافی را نمی شناختند می توان گفت امضاء ایشان به اعتبار امضای دیگران بوده، اما وقتی مرحوم مظاهری آیت الله صافی را کاملاً می شناختند و ارتباط نزدیک و رفت و آمد با ایشان داشته اند، دیگر برای تأیید صلاحیت آیت الله صافی اعتبار دیگران را لازم ندارد بلکه مستقلاً بر اساس همان شناخت، صلاحیت آیت الله صافی را تأیید و امضاء می کنند، یا اگر قبول ندارند امضاء نمی کنند.

ارتباط آیت الله صافی با مرحوم آقای مظاهری خیلی بیشتر و قوی تر از آن عالم بزرگوار بود که قبل از آقای مظاهری امضاء کرده بودند. آیت الله صافی سالیان دراز با مرحوم مظاهری رفاقت داشتند و مورد اعتماد آن مرحوم و نماینده رسمی مراجع تقلید بودند، به عکس، با آن عالم بزرگوار که اول امضاء کرده بودند اصلاً ارتباط چندانی نداشتند، با این وصف چگونه ممکن است مرحوم آقای مظاهری به اعتبار امضاء آن عالم بزرگوار (که چندان شناختی به او نداشتند)، برای آیت الله صافی (که ایشان را کاملاً می شناختند و مورد اعتمادشان بودند) امضاء کرده باشند؟!!

ناشناس را به اعتبار شناس تأیید می کنند نه بلعکس، لذا در اینجا هم، قاعده این است که دیگری را باید به اعتبار آقای صافی تأیید کنند نه آقای صافی را به اعتبار دیگری چون آیت الله صافی نزد آن مرحوم شناس است و آن دیگری ناشناس پس مرحوم مظاهری آیت الله صافی را مستقلاً و به اعتبار شناختی که شخصاً به ایشان داشتند تأیید کردند.

و این هم شاهد دوم بر جعلی بودن امضاء مرحوم مظاهری است.

ثالثاً: امضائی که آن مرحوم برای آیت الله صافی کردند در تاریخ ۱۳۹۵ / ۱۱ / ۲ بود که آیت الله صافی فرمودند:

مرحوم آقای مظاهری به قدری حالشان بد بود که با یک مصیبتی ایشان را از روی تخت بلند کردند و نشاندند و با یک مصیبتی توانستند یک امضاء کمرنگ و کم قدرت و نیمه کاره بکنند و اصلاً چیزی نمی توانستند بخوانند فقط و فقط چون بنده مورد اعتمادشان بودم به اعتبار بنده صلاحیت همراهان ما را امضاء کردند. و قبل از آن حدود پنج دقیقه در عظمت مرجع اعلای شیعه حضرت آیت الله العظمی سیستانی صحبت کردند.

اما امضائی که این جماعت فتنه گر بنا به گفته خودشان از مرحوم آقای مظاهری گرفته اند در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۱۷ بوده یعنی حدود ۷۵ روز بعد که مسلم آن مرحوم در این تاریخ حالشان وخیم تر شده بود شاهدش این است که اندکی بعد هم ایشان از دنیا رفتند. (رحمة الله علیه)

حال چگونه این جماعت حيله گر توانستند به چنین بیمار سختی، آن همه اسناد ارائه بدهند و ایشان در آن حال سخت بیماری، آن همه مدارک مربوط به افراد ناشناس را که اکثراً با خط های عربی مشکل و نامفهوم بوده به دقت بررسی کنند! و آیت الله صافی را که سال ها رفیق و مورد اعتمادشان بود و نیز نماینده مرجع اعلای شیعه حضرت آیت الله العظمی سیستانی و سایر مراجع بودند را کنار بگذارند و گفته این آقایان ناشناس و مجهول الهویه را تصدیق کنند!! و حتی با چنین حال وخیمی چنین امضاء راحتی بنمایند!! والله العالم.

این هم شاهد سوم بر احتمال جعلی بودن امضاء دوم مرحوم آقای مظاهری است.

رابعاً: امضاء دومی که از آن مرحوم ارائه داده‌اند بسیار طبیعی و پر قدرت بوده که با حال سخت آن مرحوم در تاریخ ۱۷ / ۰۱ / ۱۳۹۶ اصلاً مناسبتی ندارد. بخصوص مقایسه این امضاء با امضاء ۷۵ روز قبل ایشان که برای اهل دقت خیلی از حقایق روشن می‌شود. مقایسه کنید دو امضای زیر را:

بسمه تعالی
اینجانب از توبه حین این امضاءها - در بروی مزار
این پدر همتی در کربلا علی الصلاة والسلام و نماز
و امضاءها را که برای آتای صافی کردم به اعتبار امضای
بسمه آتایان بوده است ، بنا بر این امضای بنده هیچ گونه
اعتباری ندارد و باید بر اساس اصل و عقیده واقع
تجدید شود. اینجانب

متوبان فوق الذکر
مورد تأیید است

این امضاء در تاریخ ۹۶/۰۱/۱۷ بوده
(این دستخط یکی از این جماعت است)

این امضاء در تاریخ
۹۵/۱۱/۲ بوده

این هم شاهد چهارم بر اینکه احتمال جعلی بودن امضای دوم مرحوم آقای مظاهری را تقویت می‌کند.

خامساً: شاهد پنجم بر احتمال جعلی بودن امضاء دوم مرحوم آقای مظاهری، افراد فاسق و نامعتبر و دشمن مرجعیت و معروف به شیاد و شرخر می‌باشند که این امضاء را به آقای مظاهری نسبت دادند و منتشر کردند.

بالاخره بر اساس آیه شریفه ﴿إِنْ جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾ باید ادعای این فاسق‌ها را تبیین کرد.

لذا به این جماعت حيله‌گرو متقلب پیشنهاد می‌شود:

اولاً اصل نامه را ارائه دهند.

و ثانیاً کارشناس آن را تأیید کرده باشد.

نتیجه، امضای اول آن مرحوم یقینی است اما امضای دوم که این جماعت حیلہ گر به آن مرحوم نسبت داده اند حداقل به شدت مشکوک است و دلیل «لا تنقض الیقین بالشک» می فرماید: یقین سابق را با شک لاحق نقض نکن. لذا طبق قاعده فوق امضاء دوم ایشان را (که مشکوک است) کنار می گذاریم و می گوئیم اصل همان امضای اول است که یقینی است مگر اینکه خلافش ثابت شود.

تازه این مربوط به یک نفر از آن ۳۰ تأییدیه است. اگر متولیان محترم این یک نفر را نادیده بگیرند، ۲۹ تأییدیه دیگر دارند که این جماعت شرور هیچ پاسخی ندارند بدهند، **والحمد لله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء**.

تذکر ۸: مسئله شرعی مستقل این است که: بر فرض هم متولیان سابق افرادی را به جای خود معین کرده باشند (که هرگز چنین نبوده طبق اسناد و شواهد موجود و اظهارات اهل شهر و شهود)، اما وقتی مرجع اعلای شیعه حضرت آیت الله العظمی سیستانی افراد دیگری را معین و منصوب می فرمایند حکم ایشان نافذ و متولیان سابق، منسوخ و افراد جدید متولی شرعی خواهند بود و این مطلب از محکّمات فقه شیعه است. بنابراین به شما توصیه می کنیم که هم خود و هم آنهایی که با هدف تضعیف مقام مرجعیت، این شب نامه ها را برای شما آماده می کنند مقداری به خود زحمت بدهید و حداقل مسائل شرعی مربوط به جار و جنجال های خود را یاد بگیرید تا بیش از حد در نظر مردم، بی سواد جلوه نکنید، **والحمد لله الذی جعل اعدائنا من الحمقاء**.

پس اولاً این حسینیة متولی نداشته و مرجع اعلا متولی معین کرده است زیرا متولیان قبل، همه از دنیا رفته اند رحمهم الله و کسی را به جای خود تعیین نکرده اند.

ثانیاً بر فرض هم متولی داشته باشد حاکم شرع و مرجع اعلای شیعه این ولایت را دارد که آنها را عزل و دیگران را نصب کند و ما حکم آیت الله العظمی سیستانی در مورد تعیین آیت الله حاج شیخ علی صافی اصفهانی و همراهانشان را برای تولیت حسینیۀ اصفهانیها در کربلا منتشر کرده ایم (به سایت حسینیۀ مراجعه نمائید).

و اصلاً وقتی مرجع اعلا افرادی را به عنوان متولی برای حسینیۀ نصب کنند، افراد سابق بر فرض هم متولی باشند خود به خود عزل و منسوخ هستند، کما اینکه در حکم رئیس دیوان وقف شیعی عراق آمده است.^(۱)

تذکره ۹: تعدادی از مراجع و علما و فضلا و فرهیختگانی که متولیان منصوب از طرف آیت الله العظمی سیستانی را تأیید کرده اند و این جماعت بی تقوا علی رغم پافشاری های بسیار زیاد نتوانسته اند از آنها مطلب و نوشته ای بگیرند و روی آن با شیادی مانور بدهند عبارتند از:

۱- حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی ^{مدظله العالی} مرجع عالیقدر در قم

۲- حضرت آیت الله العظمی دوزدو زانی ^{مدظله العالی} مرجع عالیقدر در قم

۳- حضرت آیت الله العظمی شیخ بشیر نجفی ^{مدظله العالی} مرجع عالیقدر در نجف اشرف.

۴- حضرت آیت الله العظمی نوری همدانی ^{مدظله العالی} مرجع عالیقدر در قم

۵- حضرت حجة الاسلام و المسلمین سید جواد شهرستانی داماد و وکیل تام الاختیار مرجع اعلای شیعه حضرت آیت الله العظمی سیستانی در قم.

۶- آیت الله سید علاء موسوی در نجف اشرف.

- ۷- آیت الله شیخ عبدالمهدی کربلایی (تولیت حرم مطهر امام حسین علیه السلام)
- ۸- آیت الله سید احمد صافی (تولیت حرم مطهر حضرت ابوالفضل علیه السلام)
- ۹- آیت الله سید عبدالکریم قزوینی در قم.
- ۱۰- آیت الله حاج شیخ جعفر نائینی در قم داماد مرجع عالیقدر شیعه مرحوم آیت الله العظمی خوئی و از مدرسین خارج حوزه علمیه قم
- ۱۱- حضرت آیت الله سید علی سبزواری فرزند مرحوم سید اعلی سبزواری از مراجع بزرگ تقلید در نجف اشرف.
- ۱۲- حضرت آیت الله سید جعفر سیدان شخصیت نامی و طراز اول در حوزه علمیه مشهد مقدس.
- ۱۳- حضرت آیت الله سید مرتضی مستجابی در اصفهان.
- ۱۴- حضرت آیت الله سید احمد اشکوری محقق و کتابشناس بزرگ زمان در حوزه علمیه قم.
- ۱۵- حضرت آیت الله شیخ محمدرضا مامقانی از اساتید حوزه علمیه قم
- ۱۶- حضرت آیت الله سید علی حسینی صدر از مدرسین حوزه علمیه قم
- ۱۷- حضرت آیت الله حاج شیخ مسلم داوری از مدرسین حوزه علمیه قم
- ۱۸- حضرت آیت الله سید علی میلانی در قم
- ۱۹- حضرت آیت الله سید محمد یثربی کاشانی در قم
- ۲۰- آیت الله سید نورالدین جعفریان در اصفهان
- ۲۱- آیت الله حاج سید علیرضا حیدری در یزد
- ۲۲- آیت الله سید محمد زنجانی در مشهد مقدس
- ۲۳- آیت الله ملک حسینی در شیراز
- ۲۴- آیت الله محمدی در شیراز

- ۲۵- آیت الله ماجد کاظمی در خوزستان
- ۲۶- آیت الله حسنی در مازندران
- ۲۷- آیت الله طباطبایی در قم
- ۲۸- آیت الله شیخ محمد علی ابراهیمی از مدرسین حوزه علمیه اصفهان.
- ۲۹- آیت الله میردامادی در اصفهان
- ۳۰- آیت الله حاج آقا مهدی فقیه امامی در اصفهان
- ۳۱- حجة الاسلام و المسلمین سید محمد طباطبایی یزدی فرزند مرحوم آقا عزیز در قم.
- ۳۲- حجة الاسلام و المسلمین سید صادق قزوینی در قم
- ۳۳- حجة الاسلام و المسلمین شیخ هادی مامقانی در قم
- ۳۴- حجة الاسلام و المسلمین شیخ حمید دوزدوزانی در قم
- ۳۵- حجة الاسلام و المسلمین سید محمد قائم فر در اصفهان
- ۳۶- حجة الاسلام و المسلمین سید حسین ابطحی در اصفهان
- ۳۷- حجة الاسلام و المسلمین شیخ علی اکبر مهدی پور، خطیب و نویسنده بزرگ شیعه در قم.
- ۳۸- حجة الاسلام و المسلمین زاهدی در اصفهان
- ۳۹- حجة الاسلام و المسلمین ارگانی در قم
- ۴۰- حجة الاسلام و المسلمین افضل هرنندی در اصفهان
- ۴۱- حجة الاسلام و المسلمین شفتی در اصفهان
- ۴۲- حجة الاسلام و المسلمین شیخ رضا قربانیان در اصفهان
- ۴۳- حجة الاسلام تائبی در اصفهان

- ۴۴- حجة الاسلام سید مجتبی فقیه امامی در اصفهان
- ۴۵- حجة الاسلام مصباح در اصفهان
- ۴۶- حجة الاسلام شیخ محمد مظاهری در اصفهان
- ۴۷- حجة الاسلام سید مهدی بکائی در اصفهان
- ۴۸- حجة الاسلام سید مجید نبوی در اصفهان
- ۴۹- حجة الاسلام یزدی در اصفهان
- ۵۰- حجة الاسلام وثیق در اصفهان
- ۵۱- حجة الاسلام میرهندی در اصفهان
- ۵۲- حجة الاسلام گلپایگانی در اصفهان
- ۵۳- حجة الاسلام عزت الله بهبهانی در مشهد
- ۵۴- حجة الاسلام تجویدی در اصفهان
- ۵۵- حجة الاسلام شیخ سعید پورکیانی در اصفهان
- ۵۶- حجة الاسلام قدیری در اصفهان
- ۵۷- حجة الاسلام فاطمی مرام در اصفهان
- ۵۸- حجة الاسلام امامی سدهی در قم
- ۵۹- حجة الاسلام مسائلی در اصفهان
- ۶۰- حجة الاسلام شیخ جواد شریعتی در قم

و جمع کثیر دیگر از علما و طلاب حوزه‌های علمیه اصفهان و سایر شهرستان‌ها، متولیان منصوب از طرف مرجع اعلای شیعه را قبول و صلاحیت آنها را تأیید نموده‌اند و به حرف‌های پوچ و پوشالی این فرقه بی‌تقوا اعتنایی نکردند.

تذکر ۱۰: بسیاری از شخصیت‌های سیاسی اجتماعی و مذهبی نیز صلاحیت این متولیان را تأیید و آنها را به عنوان متولی شرعی و قانونی این حسینیه پذیرفته‌اند از قبیل:

- ۱- سید علاء موسوی رئیس دیوان وقف شیعی عراق وزیرمجموعه ایشان
- ۲- شیخ عبدالمهدی کربلایی تولیت حرم مطهر حضرت امام حسین علیه السلام
- ۳- سید احمد صافی تولیت حرم مطهر حضرت ابالفضل علیه السلام
- ۴- سید جعفر موسوی قائم مقام تولیت حرم مطهر حضرت امام حسین علیه السلام
- ۵- سید عدنان موسوی قائم مقام تولیت حرم مطهر حضرت ابالفضل علیه السلام
- ۶- تولیت محترم حرم مطهری حضرت علی علیه السلام
- ۷- حجة الاسلام و المسلمین شیخ احمد کاشف الغطاء مدیر بنیاد کاشف الغطاء در نجف اشرف.
- ۸- (المجلس القضاء الاعلی) حکم دادگاه عراق، بدوی و تجدید نظر، هر دو به نفع متولیان جدید و مختومه شدن پرونده.
- ۹- مجلس علمی وقف شیعی عراق
- ۱۰- حاجی فارس رئیس اوقاف کربلا
- ۱۱- استاندار کربلا
- ۱۲- فرماندار کربلا
- ۱۳- شهردار کربلا
- ۱۴- دکتر شریعتمداری، وزیر کار و رفاه اجتماعی
- ۱۵- دکتر کامران، نماینده سابق مردم اصفهان در مجلس شورای اسلامی
- ۱۶- استاندار اصفهان

- ۱۷- فرماندار اصفهان
 - ۱۸- دکتر نوروزی، شهردار اصفهان
 - ۱۹- آقای نصر، رئیس شورای شهر اصفهان
 - ۲۰- حجة الاسلام و المسلمین خاموشی مدیر کل سازمان اوقاف و امور خیریه کشور.
 - ۲۱- حجت الاسلام صادقی رئیس اوقاف اصفهان
 - ۲۲- رئیس زندان اصفهان
 - ۲۳- دکتر موفق، مدیر کل صنعت و معدن اصفهان
 - ۲۴- رئیس فرودگاه شهید بهشتی اصفهان
 - ۲۵- رئیس نیروی انتظامی اصفهان
 - ۲۶- خیریه امام محمد باقر علیه السلام
 - ۲۷- خیریه امیرالمؤمنین علیه السلام
 - ۲۸- خیریه مهر امام جعفر صادق علیه السلام (مجموعه دارالصادق اصفهان)
 - ۲۹- خیریه الزهراء علیها السلام
 - ۳۰- خیریه حضرت ولی عصر (عج)
 - ۳۱- خیریه کوثر بهشت
 - ۳۲- خیریه ریحانة النبى احمدآباد
 - ۳۳- خیریه ابوالفضل علیه السلام
- خداوند انشاءالله همه را از شر شیطان حفظ و عاقبت همه را ختم به خیر فرماید.
- دکتر علیرضا محمدخانی

